

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر
سال هشتم، شماره دوم، پیاپی (۲۵)، تابستان ۱۳۹۳
تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۶
صص ۱۳۰ - ۱۱۱

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده مزاحمت جنسی زنان در شهر اصفهان

سیدعلی هاشمیان فر^۱، منصور حقیقتیان^۲، زهرا گلستان^۳

چکیده

هدف کلی این مطالعه، فراهم آوردن توصیفی همه جانبه از وضعیت مزاحمت جنسی (از نوع مزاحمت خیابانی) زنان و هم چنین بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر اصفهان است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان تشکیل می دهند. حجم نمونه، ۴۰۰ نفر اتخاذ شد. پژوهش حاضر از جهت دستیابی به اطلاعات، پیمایشی است و برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش پرس و جو در قالب پرسشنامه‌ای با سؤالات باز / بسته و طیف‌های گوناگون استفاده شده است. آزمون فرضیه‌ها حاکی از آنست که بین وضعیت ظاهری زنان و مزاحمت جنسی رابطه معناداری وجود دارد، بین گرایش مذهبی و مزاحمت

seyedalihashemianfar@yahoo.com

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

Mansourhaghighatian@yahoo.com

۲- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

golesan.zahra@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول)

جنسی در مردان رابطه معناداری وجود ندارد، اما این رابطه در زنان معنادار و معکوس است. در مردان با افزایش شرکت در جلسات اجتماعی، مزاحمت جنسی کاهش می‌یابد و در زنان با افزایش حضور پلیس در سطح شهر، مزاحمت جنسی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مزاحمت جنسی، مزاحمت خیابانی، شهر اصفهان.

مقدمه

خشونت رفتاری است که با هدف صدمه زدن به دیگری از کسی سر می‌زند. خشونت غالباً به عنوان یک استراتژی نظامی جهت تخریب غرور، شرافت، فرهنگ و هویت ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد و سلاحی برای ایجاد ترس محسوب می‌شود. خشونت مصادیق مختلفی را در بر می‌گیرد که یکی از آن‌ها خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان واقعیتی تلخ در سرتاسر دنیا می‌باشد و به زمان/ مکان خاصی تعلق ندارد. خشونت علیه زنان تنها شکل سوء استفاده از حقوق بشر نیست بلکه نوعی است که اغلب در آن وجه جنسیتی چنین سوء استفاده ای بسیار آشکار است و به دلیل مسائل اجتماعی- فرهنگی کم تر مورد توجه قرار گرفته است. حکایت خشونت علیه زنان زمانی تلخ تر می‌شود که بدانیم آمار واقعی این گونه جرائم، نامشخص و تعقیب قانونی آن دشوار است.

حال، یکی از اشکال جرائم جنسی که در قانون آمده عبارتست از مزاحمت بانوان و دختران که به آن مزاحمت جنسی نیز اطلاق می‌گردد. مزاحمت جنسی، مانعی ناعادلانه علیه توانایی‌های فرد برای انجام کار یا پیشرفت مبتنی بر شایستگی‌هایش به شمار می‌رود. با این که مزاحمت جنسی مشابه تجاوز شناخته می‌شود، ولی بیش تر بروز اعمال قدرت است تا غرایز جنسی و بیان گر ایجاد رعب و وحشتی است که نباید نادیده گرفته شود.

زنان هر روزه با تروریسم به شکل مزاحمت جنسی در خیابان و در محل کار- جایی که تحمل چنین مزاحمت‌هایی شرطی برای استخدام، دریافت حقوق ماهیانه، ارتقاء شغلی و دیگر مزایا محسوب می‌شود- مواجه هستند. این موارد نقض حقوق بشر با هدف نشان دادن زنان سر جای خود از طریق ترساندن آنان صورت می‌گیرد. شمار معدودی از زنان در برخی اماکن و بعضی اوقات از مزاحمت جنسی نگرانی نداشته‌اند، اما کم تر می‌توان زنی را یافت که از این

گونه تروریسم پرهیز نکند. مزاحمت جنسی در خیابان یا به بیان بهتر، مزاحمت خیابانی در کمین است تا دیگر مسأله بزرگ زنان از این دهه شود.

اگر چه بسیاری از زنان و دختران به طور منظم مورد مزاحمت قرار می‌گیرند باز هم عده زیادی از مردم تشخیص نمی‌دهند که مزاحمت خیابانی یک مسأله است. گروهی از افراد درک نمی‌کنند که رفتارشان توهین آمیز، آزار دهنده یا در برخی موارد تهدید آمیز محسوب می‌شود و عده ای از دختران به قدری مورد اهانت قرار می‌گیرند که فکر می‌کنند مزاحمت خیابانی تنها بخشی از زندگی روزانه است (موسسه حمایت از دختران نوجوان، ۲۰۱۲).

مزاحمت خیابانی به یک بیماری فراگیر تبدیل شده است که در جوامع مختلف از جمله ایران رواج دارد. از این رو، مزاحمت خیابانی یکی از موضوع‌های مهمی است که باید به آن پرداخته شود. در همین راستا، بررسی این بخش از انحرافات جنسی به عنوان مسأله تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدین منظور مزاحمت خیابانی در پژوهش حاضر این گونه تعریف می‌شود: رفتارهایی همچون نگاه‌های ممتد شهوانی، توجهات ناخواسته، چشم چرانی، تعقیب، ترساندن، تنه زدن، نیشگون گرفتن، ایجاد حرکات زننده، سد مسیر، بوق زدن اتومبیل‌های شخصی و اصرار به سوار شدن، روشن و خاموش کردن چراغ و ایست و گریزهای افراطی و معنادار در برابر خانم‌های منتظر تاکسی، ویراژ دادن و حرکات نمایشی موتور سواران، استمناء علنی، نشان دادن عورت، لمس بدن، نوازش کردن، انگولک کردن و در آغوش گرفتن هستند که در وسایل نقلیه عمومی (از قبیل مترو، اتوبوس و تاکسی)، دانشگاه، محل کار، خیابان یا دیگر اماکن عمومی مشاهده شده‌اند (می‌شوند) و موجبات آزار روحی یا جسمی افراد را فراهم می‌کنند.

به نظر می‌رسد این نوع مزاحمت‌ها که امروزه در جامعه به چشم می‌خورد بسیار شدیدتر از کشورهای توسعه یافته است و با نگاهی دقیق تر به این مسأله می‌توان گفت: کم‌ترین میزان مزاحمت‌های خیابانی به شهرستان‌ها بر می‌گردد، چرا که شناخت عمومی شهروندان از هم بیشتر است. بنابراین در جوامع شهری و کلان شهرها بیش تر دیده می‌شود و اصفهان نیز از شهرهای بزرگ ایران بوده که بررسی این مسأله در آن می‌تواند محقق شود.

مزاحمت خیابانی با رشد روز افزون، روابط فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد

زیرا «دامنه مزاحمت‌ها تنها به مشکلات روحی و روانی محدود نمی‌شود، بلکه از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اهمیت طرح این موضوع بیش‌تر از آن‌رو است که زنان آسیب‌دیده از این مزاحمت‌ها چنان سرخورده و منفعل می‌شوند که در برخی مواقع برای مقابله با عواقب آن حضور اجتماعی خود را محدود می‌کنند» (نادری، ۱۳۸۵). این بدان معناست که ارتباط قربانی به افراد خاص و حیطه فیزیکی معینی خلاصه می‌شود. «مزاحمان خیابانی نیز در نبود پیگردهای قانونی و مانعی خاص بر عمل ناشایست خود اصرار می‌ورزند و در برخی مواقع کار صرفاً از فراهم آوردن یک مزاحمت خیابانی، گفتن چند کلامی به عنوان متلک و غیره فراتر می‌رود» (قیصری، ۱۳۸۹). بدین مفهوم که رفتارها دیگر قابل پیش‌بینی نیست و هنجار شکنی‌ها جایز می‌شود. اینجاست که قبح اجتماعی مزاحمت خیابانی از بین می‌رود، در نتیجه از فشار اجتماعی بر آن کاسته می‌شود و موجبات بی‌توجهی مدنی را تشکیل می‌دهد. مجموع این موارد، آشفته‌گی در روابط اجتماعی از لحاظ اخلاقی و فرهنگی است.

شهشهانی معتقد است: آماری در زمینه مزاحمت‌های خیابانی نداریم چون دامنه این مزاحمت‌ها گسترده و متنوع است. این مسأله بیش‌تر احساسی است. در واقع شنیده‌ها و دیده‌های ما این اطلاعات را به دست ما می‌دهد که نسبت به گذشته چقدر این نوع برخوردها بیش‌تر شده. اما یک مسأله همیشه بوده و آن هم این که مرد به خودش اجازه می‌دهد در هر مرتبه و شخصیتی به یک زن که جزو محرمان خودش نیست و فکر می‌کند مسأله‌ای برایش ایجاد نمی‌کند به صورت طعمه نگاه کند. حتی الآن مثل قبل نیست که به عنوان مثال، پوشش کم‌تر موجب عکس‌العمل بیش‌تر شود چرا که می‌بینیم زنان حتی با داشتن چادر و یک حجاب کاملاً پوشیده باز هم از تعرض در امان نیستند (شهشهانی، ۱۳۸۵).

با این حال، «بر اساس تحقیقاتی که توسط یک مرکز تحقیقاتی خصوصی صورت گرفته هر زن یا دختری در جوامع شهری در ایران به میزان مسافتی که طی می‌کند یا مدت زمان حضورش در سطح خیابان‌ها بین یک تا بیست بار به لحاظ مزاحمت‌های کلامی و فیزیکی از سوی برخی مردان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد» (سایت جهان، ۱۳۸۹).

اهداف پژوهش

در راستای ضرورت طرح، بررسی و برنامه ریزی در مواجهه با مزاحمت جنسی، پژوهش حاضر اهدافی به شرح ذیل را دنبال می‌نماید:

- آگاهی از وسعت مزاحمت جنسی زنان در شهر اصفهان
- درک بهتری از عوامل اجتماعی مرتبط با رویداد مزاحمت جنسی در شهر اصفهان
- کسب اطلاع بیش تر از میزانی که قربانیان مزاحمت جنسی برای درخواست کمک به مقامات مربوطه مراجعه کرده و بررسی پاسخ‌هایی که آنان از سوی مقامات دریافت کرده اند.
- تلاش در جهت جلب توجه و مشارکت سیاست گذاران، رسانه‌ها، محققان و کارشناسان مسائل اجتماعی با هدف مبارزه با مزاحمت علیه زنان به عنوان یک مسأله اجتماعی.

پرسش پژوهش

مهمترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مزاحمت جنسی علیه زنان در شهر اصفهان چیست؟

پیشینه پژوهش

آقاجانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی» به بررسی پیامدهای مزاحمت خیابانی پرداخته است. ایشان در بُعد اجتماعی به تأثیر منفی در فرآیند جامعه پذیری، تزلزل ارزش‌های اخلاقی، ترویج فساد اخلاقی و تبدیل آن به ارزش اجتماعی، کاهش حساسیت‌ها و افزایش بی تفاوتی اجتماعی اشاره می‌کند (آقاجانی، ۱۳۸۳).

السان (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان» عنوان می‌کند که به لحاظ فرهنگی، تلاقی دو عامل احتمال بزه دیدگی جنسی زنان را فراهم می‌سازد: عواملی که مردان را به ارتکاب خشونت علیه زنان می‌کشاند و نیز موقعیتی که زن در آن قرار گرفته. وی می‌گوید: بررسی موضوع نشان داد که رضایت بزه دیده در وقوع و سختی پیشگیری از خشونت جنسی تأثیر زیادی دارد (السان، ۱۳۸۴).

خاک (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین الملل کیفری» اظهار می‌دارد که خشونت علیه زنان به معنای خشونت جسمی، جنسی و روحی است

و مواردی همچون تجاوز به عنف، بدرفتاری‌های جنسی، ایذاء جنسی و ایجاد ارعاب در محیط کار یا هر جای دیگری را در بر می‌گیرد (خاک، ۱۳۸۷).

ابوذری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با مضمون «جرمی به نام مزاحمت برای بانوان» از وجود خرده فرهنگ‌های معارض، تهاجم فرهنگی، کتمان مزاحمت، عدم برخورد جدی با آن و کاهش میزان اعتقادات مذهبی به عنوان علل این پدیده یاد می‌کند و ترس و ناامنی، مخدوش شدن شخصیت، بدبینی مردان، تنفر جنسی و ایجاد تنش در روابط خانوادگی را از پیامدهای مزاحمت می‌داند (ابوذری، ۱۳۸۹).

غنی لو (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «با مزاحمت‌های خیابانی چه باید کرد» بیان می‌دارد که پلیس با حضور در معابر و خیابان‌ها با نام گشت‌های امنیت اخلاقی، جامعه را کنترل می‌کند و با زیر نظر قرار دادن موارد مشکوک تحت عنوان مزاحمین نوامیس برخورد می‌کند (غنی لو، ۱۳۹۱).

شاهین (۲۰۰۵) در تحقیقی تحت عنوان «مزاحمت خیابانی علیه دختران در منطقه گوجران والا» به بررسی این مسأله پرداخت. برخی از یافته‌های کلیدی این بررسی عبارتند از ● ۶۸٪ مردان و ۶۰٪ زنان بر این باور بودند که پسران و دختران - هر دو - مسبب مزاحمت خیابانی اند ● ۵۲٪ پاسخ دهندگان زن اظهار داشتند زمانی که مردان با آن‌ها تماس بدنی دارند خواهان کتک زدن به آنان هستند ● ۴۰٪ پاسخ دهندگان مرد و ۵۲٪ پاسخ دهندگان زن بیان داشتند که پسران مزاحم هر تیپ دختری می‌شوند (شاهین، ۲۰۰۵).

استرینگر (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان «پنهان از انظار عمومی: تجاوز و مزاحمت جنسی در شبکه مترو شهر نیویورک» موضوع را مورد بررسی قرار داد. برخی از یافته‌های کلیدی بررسی عبارتند از ● ۴۴٪ پاسخ دهندگان اعلام کردند که شاهد رویداد مزاحمت جنسی در مترو نیویورک بوده‌اند ● ۹۶٪ شاهدان مزاحمت جنسی بنا به دلایلی همچون کم اهمیت تلقی کردن حادثه، دستپاچگی شاهد و عدم دستگیری مزاحم، جهت درخواست کمک با مقامات تماس نگرفته‌اند ● مزاحمت جنسی نه تنها واقعیت مترو نیویورک است که امری پیش پا افتاده نیز

محسوب می‌شود. در پایان، استرینگر پیشنهاد می‌کند که باید چراغ‌های پرنورتری در واگن‌ها/ ایستگاه‌های مترو نصب شوند، تلفن‌های عمومی افزایش یابند و مقامات مربوطه حضور بیش تری در مترو به عمل آورند (استرینگر، ۲۰۰۷).

سایت هرسمنت صد و یک (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «مزاحمت خیابانی» آن را چنین تعریف می‌کند: در شرایطی که برخی افراد در خیابان‌ها سرگرم گفتگوی بی ادبانه یا معناداری هستند و از این کار لذت می‌برند بسیاری دیگر این گونه برخورد نمی‌کنند و نمی‌پسندند. حال اگر فردی نسبت به آن چه سایرین می‌گویند یا انجام می‌دهند احساس بی حرمتی کند دیگر تحسین محسوب نمی‌شود و مزاحمت است (سایت: harassment101.com, ۲۰۱۱).

سایت اش کمپین (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با مضمون «مبارزه علیه مزاحمت جنسی زنان در خیابان‌های انگلستان» به معرفی «اش»^۱ می‌پردازد که «اش» برگرفته از علیه مزاحمت خیابانی^۲ است و به گروهی متشکل از داوطلبان انگلیسی اطلاق می‌گردد که همگی مزاحمت خیابانی را تجربه کرده‌اند و فعالیت اجتماعی شان را با عنوان مبارزه علیه مزاحمت خیابانی لندن آغاز نموده‌اند. در ادامه اشاره می‌کند که این مبارزه قصد برجسته کردن مسأله مزاحمت خیابانی، فراهم کردن آن برای یک گفتگوی همگانی و آموزش دادن مردان و زنان- هر دو- را دارد (سایت: ashcampaign.org, ۲۰۱۱).

سایت هلیپینگ آور تین گرلز (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «مبارزه علیه مزاحمت خیابانی: بهبود زندگی و سلامتی دختران و زنان جوان سیاه پوست از سال ۲۰۰۱ به این طرف» بیان می‌کند که برای پرداختن به این موضوع، کمیته مشورتی نوجوانان اقدام به جمع‌آوری داستان‌هایی پیرامون تجربیات دختران از مزاحمت خیابانی و نیز توسعه مواد آموزشی جهت ارتقای آگاهی در خصوص تأثیر مزاحمت خیابانی و خشونت علیه زنان و دختران کرد (سایت: helpingourteengirls.org, ۲۰۱۲).

1 ASH

2 Against Street Harassment

چارچوب نظری پژوهش

رویکردهایی که به تبیین مزاحمت جنسی می‌پردازند را می‌توان در دو دسته مورد بررسی قرار داد که در ادامه به توضیح هر یک از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

دسته اول- رویکرد عاملیت فرد در تبیین مزاحمت جنسی

به بیان دلاکوستا، «در برخی موارد خود زنی که مورد تعرض قرار گرفته می‌تواند مقصر باشد» (مهر، ۱۳۸۴). بر اساس مطالعه ای که توسط شاهین صورت گرفته است «به منظور جلوگیری از مزاحمت، دختران بایستی از پوششی کامل و مناسب برخوردار باشند» (شاهین، ۲۰۰۵).

معیدفر بر این باور است که اکثر مزاحمان خیابانی مزاحم هر زنی نمی‌شوند و تنها مزاحم گروهی از زنان می‌شوند که پوشش و رفتارشان مغایر با عرف است. وی می‌گوید: این بدان معنا نیست که چنین مزاحمت‌هایی به هیچ وجه در مورد زنان دیگر اعمال نمی‌شود، بلکه منظور اینست که در مورد زنان دیگری که عرف را رعایت می‌کنند این مزاحمت‌ها کم تر است. بنابراین، اگر آن چه که طبق عرف، عفت نامیده می‌شود رعایت شود مزاحمت‌های خیابانی به حداقل می‌رسد. اگر این مسائل رعایت نشود کارکرد جنسی زنان بیش تر در نظر گرفته می‌شود (معیدفر، ۱۳۹۰).

نادری یکی از دلایل ایجاد مزاحمت‌های خیابانی را افرادی می‌داند که مورد هجوم قرار می‌گیرند زیرا آنان در واقع، نوعی پالس‌ها و پیام‌هایی را به صورت ناخواسته و غیر مستقیم به این گونه افراد ارائه می‌دهند. نادری بیان می‌دارد: به طور حتم، خود این خانم دلش نمی‌خواهد چنین اتفاقی بیفتد اما جوری رفتار می‌کند که فرد مزاحم به خودش اجازه چنین کاری را می‌دهد. به عنوان مثال نوع پوشش، طرز نگاه، نوع رفتار، ایستادن، راه رفتن و غیره می‌توانند عواملی باشند که سبب برداشت‌هایی اشتباه از طرف شخص مزاحم شود. به گفته نادری، بررسی‌های انجام شده در آمریکا راجع به مزاحمت‌های خیابانی نشان داد اغلب مزاحمان معتقد بودند که قربانی خودش تمایل به این کار داشت در غیر این صورت چرا آن مدل لباس پوشیده بود یا چرا آن گونه آرایش کرده و راه می‌رود. پس او خودش دوست داشته که چنین رفتاری با وی شود (نادری، ۱۳۸۵).

دسته دوم- رویکرد سازمان اجتماعی در تبیین مزاحمت جنسی

هیرشی بنیان گذار نظریه پیوند اجتماعی^۱ بر این باور است که پیوند میان فرد و جامعه یک عامل بازدارنده مهم در برابر کج رفتاری محسوب می شود. به بیان هیرشی، کج رفتاری زمانی رخ می دهد که پیوند فرد با جامعه ضعیف یا شکسته شود. وی از چهار عنصر تأثیرگذار بر پیوند میان فرد و جامعه صحبت می کند. بدین شرح:

- دل بستگی و تعلق^۲ - دل بستگی به سایرین و نهادهای اجتماعی یکی از عناصر مؤثری شمرده می شود که فرد، خود را از طریق آن به جامعه پیوند می زند. ضعف چنین پیوندهایی باعث می گردد که فرد، خود را از قیود اخلاقی جامعه رها سازد و مرتکب کج رفتاری شود.

- تعهد^۳ - افرادی که وقت و انرژی خود را در رسیدن به اهداف شان صرف کرده اند بیش تر به فعالیت های معمول روزمره تعهد دارند. این بدان معناست که چنین افرادی برای حفظ پایگاه اجتماعی شان که با سعی و تلاش کسب کرده اند، کج رفتاری نمی کنند.

- درگیری و مشارکت^۴ - افرادی که خود را درگیر همنوایی می کنند دیگر فرصتی برای ارتکاب کج رفتاری یا حتی فکر کردن به آن ندارند. مشارکت در فعالیت های اجتماعی، قسمت عمده ای از وقت و انرژی آنان را می گیرد و همین امر به نوبه خود باعث تقویت تعهد می گردد.

- اعتقاد^۵ - هر چه میزان اعتقاد فرد به ارزش های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی کم تر باشد، احتمال کج رفتاری اش بیش تر می شود. فردی که خود را مقید به اعتقادات متداول جامعه نداند به دنبال آن هیچ وظیفه اخلاقی جهت همنوایی با قوانین رسمی و غیر رسمی جامعه برای خود قائل نیست (هیرشی، ۱۹۶۹).

والتر رکلس^۶ (۱۹۶۱) تحقیق در مورد کنترل های اجتماعی را تا سطح جدیدی تحت عنوان نظریه مهار پیش برد. او از نیروهایی سخن گفت که افراد را از جامعه متعارف دور کرده یا

1 Social Bond

2 Attachment

3 Commitment

4 Involvement

5 Belief

6 Walter Reckless

آن‌ها را به سوی سوء رفتار سوق می‌دهند. از جمله این نیروها:

- فشارهای اجتماعی - همچون زندگی توأم با فقر، وضعیت گروه‌های اقلیت، فرصت‌های معیشتی اندک و برخوردهای خانوادگی.
- دافعه‌های اجتماعی - که فرد را از انجام رفتار مورد قبول باز می‌دارد نظیر خرده فرهنگ‌های مجرمانه و بزه کار یا همراهان بد.
- کشش‌های زیست شناختی یا روانی - نظیر تنش‌های درونی، دشمنی و تجاوزگری.

طغیان در برابر قدرت - که ریشه در درون فرد داشته و به ظهور هنجارهای نامطلوب در زندگی می‌انجامد.

با توجه به این نیروها فقط مهار بیرونی و درونی میان هر فرد و زندگی توأم با جرم قرار گرفته است. رکلس معتقد بود که این عوامل محدودیت‌زا برای کنترل بیش تر رفتارها کفایت می‌کند.

- مهار بیرونی - از خانواده و دیگر نیروهای حامی در جامعه نشأت می‌گیرد. این نوع مهار از میان دیگر امور شامل یک الگوی اخلاقی پایدار، هنجارها، انتظارات منطقی، نظارت، انضباط مؤثر و همبستگی گروهی است.
- مهار درونی - مفهومی روان شناختی است که قدرت خود، فراخود، حس مسئولیت و جهت‌گیری به سوی هدف را شامل می‌شود (وینفری، ۱۳۸۸: ۲۷۷).

طی دهه ۱۹۸۰ طرفداران نظریه بی سازمانی اجتماعی، تعریفی دوباره از مبنای مفهومی آن ارائه کردند. مثال آن که، رابرت سمپسون^۱ و دبلیو بایرون گریوز^۲ (۱۹۸۹) نسخه‌ای سطح جمعیتی از آن را مطرح ساختند. آن‌ها بی سازمانی اجتماعی جمعیتی را در کنار جایگاه اقتصادی، ناهمگنی نژادی، تحرک ساکنان، تزلزل خانوادگی و شهری گرایبی با عوامل دیگری نظیر قدرت سیستم‌های شبکه‌ای اجتماعی در این جوامع مرتبط دانستند. این سیستم‌ها حاوی کنترل غیر رسمی (مثلاً پیوندهای دوستی)، کنترل رسمی (همچون شرکت در گروه‌های مذهبی و مدنی) و نظارت جمعی مرتبط با مسائل دغدغه آفرین محلی (مثلاً گروه‌های جوان)

1 Robert Sampson

2 W.Byron Graves

هستند. سمپسون و گریوز (۱۹۸۹) اندیشه‌های خود را با استفاده از پژوهش‌های زمینه‌یابی جرم در بریتانیا به آزمون گذاشتند. آن‌ها دریافتند که آن دسته از اجتماعات که دارای شبکه‌های دوستی اندک، گروه‌های جوان نظارت نشده و مشارکت سازمانی پائین هستند به نحو نامتناسبی از نرخ بالای جرم و بزه کاری رنج می‌برند (وینفری، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

ملاحظات مرتبط با بی‌نظمی جمعی به نقش پلیس در جامعه‌ی شکلی دیگر بخشیده است. ویلسون و کیلینگ در ارتباط با نقش پلیس جهت کنترل منطقه به منطقه شهرهای کشور به دو نکته مهم توجه داشته‌اند. بی‌نظمی جمعی (همچون مستی دسته جمعی، کارتن‌خوابی، افراد مشکوک و باندهای جوانان) محیطی ترس‌آور ایجاد می‌کند. جرم و بی‌نظمی هم‌چنین ارتباطی ناگسستگی در قالب چرخه‌ی رشد یافته دارند. ویلسون و کیلینگ بر این باورند که کلید مسأله، درک اهمیت پنجره شکسته است: اگر یک پنجره شکسته در ساختمانی، تعمیر نشده باقی بماند به زودی همه پنجره‌ها را شکسته خواهید دید. اگر یک منطقه بدون حضور پلیس رها شود، بی‌نظمی و در کنار آن جرم رشد خواهد کرد (ویلسون و کیلینگ، ۱۹۸۲).

برنامه‌های خاصی که این نظارت جمعی پلیس به دنبال دارد پیوند نزدیک موضوع را با نظریه‌های بوم‌شناسی نشان می‌دهد. نمونه آن که، پلیس جمعی رویکردی است که با هدف ایجاد ارتباط نزدیک میان افسران پلیس و جمعیتی که به آن خدمت می‌کنند، به وجود آمده است. این قبیل برنامه‌ها دست کم پنج هدف را شامل می‌شوند:

- کاهش ترس از جرم و جنایت
 - افزایش رضایت مندی شهروندان نسبت به عملکرد پلیس
 - طرح برنامه‌هایی مختص مسائل شهروندان
 - کاهش بی‌نظمی اجتماعی در سطح منطقه با بکارگیری نیروی پلیس به عنوان یک عامل کنترل اجتماعی غیر رسمی
 - کاهش وقوع جرم با پیگیری چهار هدف نخست
- برنامه‌های نظارت جمعی مشتمل بر حضور مأموران پیاده، ایستگاه‌های پلیس جلو فروشگاه‌ها و نظارت پلیسی با رویکرد مشکل‌زدایی است که نیروی پلیس را بر یک مسأله واحد نظیر مواد مخدر یا روسپی‌گری در سطح شهر متمرکز می‌کند. این برنامه‌ها نتایج کلی

مثبتی داشت و به ویژه پذیرش عمومی نسبت به پلیس را توسعه داد. تأکید بر نظارت پلیسی بر بی نظمی خیابانی (در شکل حضور گدایان، ول گردها و جوانان هرج و مرج طلب یا ارباب گر) به شهروندان برای گذراندن وقت بیش تری در خیابان و در نتیجه افزایش نظارت طبیعی روحیه می دهد. اگر ساکنان، خیابان‌ها را امن تر بدانند آن‌ها نیز امنیت بیش تری داشته و همسایگان بیش تر به تعامل با یکدیگر خواهند پرداخت (وینفری، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

جدول ۱: رابطه بین چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط	فرضیه‌ها
دلاکوستا، شاهین، معیدفر، نادری	وضعیت ظاهری زنان
هیرشی	شرکت در جلسات اجتماعی
رکلس، سمپسون-گریوز، هیرشی	گرایش مذهبی
ویلسون-کیلینگ	حضور پلیس در سطح شهر

فرضیه‌های پژوهش

- بین وضعیت ظاهری زنان و مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
- بین شرکت در جلسات اجتماعی و مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
- بین گرایش مذهبی و مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.
- بین حضور پلیس در سطح شهر و مزاحمت جنسی رابطه وجود دارد.

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	ابعاد	تعریف عملیاتی
۱	مزاحمت جنسی	رفتاری	سد مسیر، بوق زدن اتومبیل‌های شخصی و اصرار به سوار شدن، روشن و خاموش کردن چراغ و ایست و گریزهای افراطی و معنادار در برابر افراد منتظر تاکسی، ویراژ دادن و حرکات نمایشی موتور سواران

نگاه‌های ممتد شهوانی، توجهات ناخواسته، چشم‌چرانی، تعقیب، ترساندن، تنه زدن، نیشگون گرفتن، ایجاد حرکات زننده	متوسط			
استمناء علنی، نشان دادن عورت، لمس بدن، نوازش کردن، انگولک کردن، در آغوش گرفتن	شدید			
نوع پوشش، آرایش، راه رفتن، ایستادن، طرز صحبت، طرز نگاه	_____		وضعیت ظاهری زنان	۲
شرکت در فعالیت‌های مدرسه، امور ورزشی، کنفرانس‌ها، امور خیریه و غیره	_____		شرکت در جلسات اجتماعی	۳
اعتقاد به خدا و جهان آخرت، متوسل شدن به ائمه	اعتقادی		گرایش مذهبی	۴
امر به معروف و نهی از منکر	رفتاری			
انجام مناسک دینی (همچون نماز، روزه و زکات)	مناسکی			
حضور پلیس در محل حادثه، اقدام پلیس حاضر در محل حادثه، جواب پلیس یا مقامات مسئول به تماس تلفنی شاهدان مزاحمت	_____		حضور پلیس در سطح شهر	۵

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جهت دستیابی به اطلاعات، پیمایشی است چون با نمونه گیری از جامعه آماری و بررسی نمونه مورد نظر به تعمیم نتایج به جامعه آماری مبادرت می‌ورزد. از نظر زمانی، به صورت مقطعی انجام می‌پذیرد. از جهت سطح تحقیق، علی-تبیینی می‌باشد زیرا علاوه بر توصیف موضوع در جامعه آماری به بررسی عوامل مؤثر بر آن و تبیین داده‌ها نیز پرداخته شده است و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ تعدادشان ۱.۴۵۸.۳۹۱

نفر برآورد شده است. حجم نمونه، ۴۰۰ نفر اتخاذ شد. شیوه نمونه گیری در این پژوهش با توجه به ناهمگن بودن جامعه آماری، سهمیه ای بود. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش پرس و جو در قالب پرسش نامه ای با سؤالات باز/ بسته و طیف های گوناگون استفاده شده است. اعتبار و پایایی متغیرهای پژوهش، مطلوب بود. در پایان، جهت تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی از «فراوانی، درصد فراوانی، میانگین» و در سطح استنباطی از «پیرسون، اسپیرمن، t-test» بهره گرفته شد.

یافته های پژوهش

- از مجموع ۴۰۰ پاسخ گو، ۳۹۳ نفر آنان یعنی ۹۸.۲۵ درصد، اظهار داشته اند که شاهد مزاحمت خیابانی برای دیگران بوده اند.

- نظر پاسخ گویان زن و مرد (۴۰۰ نفر) نسبت به معمول ترین شیوه ایجاد مزاحمت خیابانی یا به بیان بهتر آن چه پاسخ گویان شاهد آن بوده اند و با عنوان «موارد مزاحمت خیابانی مشاهده شده» آمده، به شرح زیر است:

ردیف ۱ (رفتاری ضعیف)- بیش ترین مورد را بوق زدن اتومبیل های شخصی و اصرار به سوار شدن (۹۳.۸٪) و کم ترین مورد را سد مسیر (۴۰.۷٪) دانسته اند. روشن و خاموش کردن چراغ و ایست و گریزهای افراطی و معنادار در برابر خانم های منتظر تاکسی (۷۸.۸٪) و ویراژ دادن و حرکات نمایشی موتور سواران (۷۲.۱٪) مشاهده شده.

ردیف ۲ (رفتاری متوسط)- در این قسمت، بیش ترین مورد را چشم چرانی (۸۷.۶٪) و کم ترین مورد را نیشگون گرفتن (۱۵.۹٪) ذکر کرده اند. مواردی همچون نگاه های ممتد شهوانی (۷۲.۱٪)، توجهات ناخواسته (۶۲.۴٪)، تعقیب (۵۱.۸٪)، ترساندن (۳۱.۰٪)، تنه زدن (۵۴.۹٪) و ایجاد حرکات زننده (۴۸.۷٪) مشاهده شده است.

ردیف ۳ (رفتاری شدید)- بیش ترین مورد را انگولک کردن (۴۸.۲٪) و کم ترین مورد را استمناء علنی (۱۲.۴٪) عنوان کرده اند. مواردی مانند نشان دادن عورت (۱۶.۸٪)، لمس بدن (۴۳.۸٪)، نوازش کردن (۳۸.۵٪) و در آغوش گرفتن (۱۵.۰٪) مشاهده شده.

۱.۷۵ درصد پاسخ گویان، زنان/ دختران «با حجاب» و ۴۵.۵ درصد آنان، زنان/ دختران

«بدحجاب» را قربانیان مزاحمت خیابانی می‌دانند. ۵۲.۰ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند فرقی نمی‌کند و هر دو گروه- زنان/ دختران «باحجاب» و «بدحجاب»- به یک میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفته‌اند (قرار می‌گیرند).

۶۸.۲۵ درصد پاسخ‌گویان، هر دو (با بیش‌ترین فراوانی) و ۸.۲۵ درصد آنان، پسران (با کم‌ترین فراوانی) را مسبب مزاحمت خیابانی می‌دانند. در این میان، دختران ۱۳.۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

۵۹.۳ درصد پاسخ‌گویان (با بیش‌ترین فراوانی) کاملاً موافق تأثیر وضعیت ظاهری زنان/ دختران بر ایجاد مزاحمت خیابانی و ۴.۸ درصد آنان (با کم‌ترین فراوانی) در این مورد نظری نداشته‌اند. ۲۰.۵ درصد پاسخ‌گویان موافق، ۵.۴ درصد مخالف و ۹.۵ درصدشان کاملاً مخالف چنین تأثیری بوده‌اند.

از مجموع ۴۰۰ پاسخ‌گو (به عنوان شاهد مزاحمت خیابانی)، ۳۸۵ نفرشان یعنی حدود ۹۶.۲۵ درصد عنوان کردند که پلیس در محل حادثه حضور نداشت و تنها ۱۵ نفر آنان یعنی حدود ۳.۷۵ درصد به حضور پلیس در محل حادثه جواب بلی دادند.

از مجموع ۴۰۰ پاسخ‌گو، ۳۷۲ نفر آنان یعنی حدود ۹۳.۰ درصد، هنگامی که پلیس در محل حادثه حضور نداشت جهت درخواست کمک با پلیس یا مقامات مسئول تماس نگرفته‌اند و تنها ۲۸ نفرشان یعنی حدود ۷.۰ درصد با آن‌ها تماس گرفته‌اند.

از میان ۱۵ پاسخ‌گویی که عنوان کردند پلیس در محل حادثه حضور داشته‌است، ۱۱ نفرشان یعنی حدود ۷۳.۵ درصد مدعی شدند که اقدامی در جهت رفع مشکل توسط پلیس حاضر در محل حادثه صورت نگرفته‌است.

۲۸ پاسخ‌گویی که جهت درخواست کمک با پلیس یا مقامات مسئول تماس گرفته‌اند چنین بیان داشتند: ۳۲.۱۵ درصد از مواقع پلیس دیر آمده و مزاحم فرار کرده بود، ۴۲.۸۵ درصد از مواقع پلیس در محل حادثه حاضر نشده و خود فرد را مقصر دانسته و ۷.۱۵ درصد از مواقع گفته شده پیگیری می‌شود ولی هیچ وقت پیگیری نشد.

میزان گرایش مذهبی پاسخ‌گویان بین حد متوسط و بالا قرار دارد و بیش‌ترین فراوانی، پاسخ‌گوییانی با گرایش مذهبی متوسط هستند. در بررسی ابعاد گرایش مذهبی چنین مشاهده

شد:

میزان بعد اعتقادی پاسخ گویان بالاتر از حد متوسط قرار دارد و بیشترین فراوانی، پاسخ گویانی با بعد اعتقادی بالا هستند.

میزان بعد رفتاری پاسخ گویان خیلی نزدیک به حد متوسط است و بیشترین فراوانی، پاسخ گویانی با بعد رفتاری متوسط هستند.

میزان بعد مناسکی پاسخ گویان بالاتر از حد متوسط قرار دارد و بیشترین فراوانی، پاسخ گویانی با بعد مناسکی متوسط هستند.

میزان حضور پلیس در سطح شهر بین حد پائین و متوسط قرار دارد و بیشترین فراوانی پاسخ گویان در حد متوسط می باشد.

میزان شرکت در جلسات اجتماعی حدوداً در حد متوسط قرار دارد و بیشترین فراوانی پاسخ گویان در سطح متوسط است.

بحث و نتیجه گیری

- بین وضعیت ظاهری زنان و مزاحمت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه با مطالعات دلاکوستا، شاهین، معیدفر و نادری همخوانی دارد. آن‌ها بر این باورند که خود زنان با وضعیت ظاهری شان، پیام‌هایی را به صورت ناخواسته و غیر مستقیم به مزاحمان می‌دهند و زمینه ایجاد مزاحمت را فراهم می‌کنند.

- بین شرکت در جلسات اجتماعی و مزاحمت جنسی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. این رابطه تأیید کننده نظریه پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشد و مصداقی از عنصر سوم نظریه هیرشی یعنی درگیری- مشارکت شمرده می‌شود. بدین گونه که شرکت در جلسات اجتماعی برای مردان، قسمت عمده‌ای از وقت و انرژی آنان را به خود اختصاص می‌دهد و در نتیجه آن‌ها از فرصت کم‌تری جهت ایجاد مزاحمت برخوردارند.

- بین گرایش مذهبی و مزاحمت جنسی در مردان رابطه معناداری وجود ندارد اما چنین رابطه‌ای در زنان معنادار و معکوس می‌باشد. بین ابعاد گرایش مذهبی (اعتقادی، رفتاری، مناسکی) و مزاحمت جنسی در زنان رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. در مردان، چنین

رابطه ای صرفاً در خصوص بعد مناسکی معنادار و معکوس می‌باشد. این رابطه در زنان با نظریه‌های رکلس، سمپسون- گریوز و هیرشی همخوانی دارد اما در مردان همخوانی ندارد. در خصوص رابطه بین ابعاد گرایش مذهبی و مزاحمت در زنان نیز همین امر صادق است اما در مردان صرفاً در مورد بعد مناسکی صدق می‌کند. با تکیه بر اظهارات این نظریه پردازان می‌توان گفت هر چه میزان اعتقاد فرد به ارزش‌های مذهبی بیش تر باشد احتمال مزاحمت یا حتی مورد مزاحمت قرار گرفتن وی کم تر است.

- بین حضور پلیس در سطح شهر و مزاحمت جنسی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. این رابطه در زنان با نظریه ویلسون- کیلینگ همخوانی دارد. به عقیده ویلسون- کیلینگ در نظریه پنجره شکسته، حضور پلیس در سطح شهر به شهروندان برای گذراندن وقت بیش تری در خیابان‌ها، داشتن احساس امنیت بیش تر و در نتیجه افزایش نظارت طبیعی روحیه می‌دهد.

پیشنهادها

- اختصاص بودجه و امکانات مالی لازم به تحقیقات راجع به مزاحمت و حمایت از پژوهش‌گران این حیطه
- جمع‌آوری، ردیابی و در اختیار عموم قرار دادن اطلاعات قابل انتشار مرتبط با مزاحمت از سوی پلیس
- افزایش حضور مؤثر پلیس در سطح شهر
- عمل به سه اصل گزارش جرم، حمایت قربانی و پیگیری مصراانه پلیس - مسئولان نسبت به شکایات مردم
- همکاری و اعتماد دو سویه پلیس - مردم
- ارتقای آگاهی‌های عمومی در خصوص مزاحمت از طریق رسانه‌های جمعی
- انطباق وضعیت ظاهری با موازین قانونی و ظرفیت‌های اجتماعی از سوی زنان جهت پیشگیری از بزه‌پذیری جنسی (که تأثیر آن در پیشگیری از خشونت‌های جنسی علیه زنان بسیار مشهود است).
- ارائه آموزش‌های تربیتی - مذهبی لازم از سوی خانواده‌ها و آموزش - پرورش (این

راهکار نه به عنوان عوامل سرکوب کننده نیازهای جوانان بلکه به عنوان هدایت کننده می تواند در تعادل رفتاری آنان مؤثر واقع شود.

منابع

- ۱- آقاجانی، نصرالله، (۱۳۸۳). تکثر خشونت در آزارهای خیابانی، مطالعات راهبردی زنان، بهار، شماره ۲۳.
- ۲- ابوذری، مهنوش، (۱۳۸۹). جرمی به نام مزاحمت برای بانوان، سپیده دانایی، سال چهارم، شماره ۳۷، ص ۷۰.
- ۳- السان، مصطفی، (۱۳۸۴). جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصل نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱، صص ۱۴۱-۱۶۳.
- ۴- خاک، روناک، (۱۳۸۷). جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین الملل کیفری، مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، پائیز- زمستان، شماره ۳۹، صص ۱۰۱-۱۴۶.
- ۵- سایت جهان، (۱۳۸۹). نگاهی به افزایش مزاحمت های خیابانی.
- ۶- شهشهانی، سهیلا، (۱۳۸۵). زنان و مزاحمت های خیابانی، قابل دسترسی در www.aftabir.com
- ۷- غنی لو، رضا، (۱۳۹۱). با مزاحمت های خیابانی چه باید کرد، کیهان، خرداد، شماره ۲۰۲۳۳، ص ۷.
- ۸- قیصری، احسان، (۱۳۸۹). زنان و دغدغه مزاحمان خیابانی، قابل دسترسی در www.zanefarda.ir
- ۹- معیدفر، سعید، (۱۳۹۰). دختران و زنانی که ناخواسته مورد تعرض قرار می گیرند، قابل دسترسی در www.Taknaz.ir
- ۱۰- مهرا، نسرین، (۱۳۸۴). گزارش کار گروه بزه دیدگی، تهران: سلسبیل.
- ۱۱- نادری، مرتضی، (۱۳۸۵). بررسی تبعات روانی و اجتماعی مزاحمت های خیابانی، قابل دسترسی در www.aftabir.com

۱۲- وینفری، توماس ال، (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی، رضا افتخاری، گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی: مرندیز.

- 13- ashcampaign.org,(2011). Campaigning against the Sexual Harassment of Women on the UK 's Streets.
- 14- harassment101.com, (2011). Street Harassment.
- 15- helpingourteengirls.org, (2012). Anti- Street Harassment Campaign: Improving the Health and Lives of Black Young Women and Girls since 2001.
- 16- Hirschi, Travis, (1969). Causes of Delinquency, Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- 17- Shaheen, Sabiha, (2005). Street Harassment against Girls in District Gujranwala, Bargad, January, pp.1- 48.
- 18- Stringer, Scott M., (2007). Hidden in Plain Sight: Sexual Harassment and Assault in the New York City Subway System, Manhattan Borough President 's office, July, pp.1- 27.
- 19- Wilson, J.Q., Kelling, G.L., (1982). Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety, Atlantic Monthly, Vol. 29.

